

اختلاف قرائات در تفسیر اُطیب البیان*

راضیه شیرینی**

چکیده

مقوله «اختلاف قرائات» از جمله مباحث مهم علوم قرآنی است که دانشمندان علوم قرآنی و نیز مفسران نظرات مختلفی در مورد انواع آن و انتخاب قرائت صحیح ارائه نموده‌اند و هر مفسری با استفاده از مبانی خاص خود و انتخاب قرائت صحیح و مورد قبول خود به تفسیر آیات قرآن کریم پرداخته است. مرحوم طیب از مفسران معاصر شیعه است که در تفسیر «اُطیب البیان» دیدگاه خود را در زمینه اختلاف قرائات ارائه کرده است. این پژوهش، با هدف تبیین دیدگاه این مفسر نسبت به بحث اختلاف قرائات انجام شده است و در صدد است با استفاده از روش توصیفی تحلیلی دیدگاه این مفسر نسبت به اختلاف قرائات و نیز روش مورد استفاده وی در انتخاب قرائت صحیح را به دست آورد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مرحوم طیب در تفسیر خود به اختلاف قرائاتی نظیر اختلاف در اعراب، اختلاف در حروف، اختلاف در اسماء، اختلاف در زیاده و نقصان اشاره نموده و قرائت صحیح از نظر وی قرائت مطابق با سیاهی قرآن است که همان قرائت حفص از عاصم است. دلیل او بر این دیدگاه متواتر بودن این قرائت، وجود اجماع بر قرائت مطابق با سیاهی قرآن و نیز عدم وجود مدرک بر صحت قرائت قراء است. او با استفاده از آیات قرآن و توجه به ظاهر قرآن، استفاده از معنای واژه‌ها در آیه و نیز استفاده از قواعد نحوی به اثبات صحت قرائت مطابق با سیاهی ورد قرائات دیگر پرداخته است.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائت، مرحوم طیب، سیاهی قرآن، تفسیر اُطیب البیان فی تفسیر القرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲.

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس: rsh.khoy@yahoo.com

مقدمه

یکی از مباحث مهم در مورد قرآن کریم موضوع اختلاف قرائات است که تاریخ آن به زمان صدر اسلام بر می‌گردد. قرآن کریم در بدو نزول قرآن با قرائت واحد توسط پیامبر ﷺ به اصحاب آموزش داده می‌شد ولی در دوره‌های بعد هر کدام از قراء طبق مصحف خاص خود به آموزش قرائت قرآن برای مردم آن منطقه پرداختند که زمینه‌ساز اختلاف قرائات گردید. علمای اسلامی عوامل مختلفی برای پیدایش اختلاف قرائات بیان نموده‌اند که ابتدایی بودن خط (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۷؛ معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۸۶: ۴۱؛ معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۳۸۳: ۱۸۴)، اختلاف لهجه (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۶۹: ۳۴۸؛ احمدی، پژوهشی در علوم قرآن، ۱۳۸۱: ۱۱۹)، آراء و اجتهادات شخصی قراء و کسب شهرت (طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۴۸) از آن جمله است. ابن مجاهد در قرن سوم هجری سعی کرد به اختلاف قرائات خاتمه دهد؛ از این رو به حصر قرائات در هفت قرائت معتبر (ابو عبدالله نافع ابن ابی نعیم مدنی، و عبدالله بن کثیر مکی، و عاصم ابن ابی النجود کوفی و حمزه بن حبیب کوفی و ابوالحسن کسایی کوفی، ابو عمرو بن علاء بصری و ابن عامر دمشقی) پرداخت و بعد از او در قرن هشتم ابن جزری به این دلیل که از نظر او سه قرائت (خلف بن هشام بن طالب و یعقوب بن اسحاق و ابو جعفر یزید بن قعقاع) نیز شروط صحّت را دارند بر تعداد قرائات معتبر افزود (ابن جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا). میاطی نیز در قرن یازدهم، چهار قرائت بر قرائت‌های، ده‌گانه افزود (قرائت حسن بصری و ابن محیسن و یحیی بن مبارک یزیدی و ابو الفرج شنبوذ) و بدین وسیله قرائت واحده قرآن کریم به چهارده قرائت مبدل گردید (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۸۶: ۱۳۴). از آن‌جایی که توجه به اختلاف قرائات از جمله علوم می‌است که در تفسیر آیات قرآن نقش اساسی دارد هر مفسری لازم است قبل از انجام تفسیر، مبنای خود در انتخاب قرائت صحیح را بیان دارد. از این رو مفسران در طول تاریخ، قرآن را طبق قرائت یا قرائاتی که طبق مبانی خاص خود آن را معتبر و صحیح می‌دانستند به تفسیر قرآن پرداختند. تفسیر «اطیب البیان» از جمله تفاسیر شیعی معاصر است که همانند سایر مفسران به بحث قرائات توجه نموده و در مقدمه تفسیر خود و نیز در خلال تفسیر آیات، دیدگاه خود در مورد قرائت صحیح را بیان داشته است که آگاهی از آن زمینه فهم بهتر قرآن کریم و شناخت تفسیر صحیح آیات را برای مطالعه کنندگان این تفسیر مهیا می‌سازد. علاوه بر آن توجه به قرائت قرآن کریم و کیفیت ادای آن، برای ارائه تفسیری

صحیح از قرآن کریم، از آن جهت لازم است که گاهی اوقات به واسطه قرائت‌های مختلف از یک آیه، برخی از وجوه و معانی احتمالی بر برخی دیگر ترجیح می‌یابند (متولی، اضواء علی مناهج بعض المفسرین من زوایا علوم القرآن، ۱۴۲۰: ۴۱). از این روست ضروری است که تحقیقی در این زمینه نگاشته شود و بدین منظور لازم است با مطالعه این تفسیر موارد مرتبط با قرائات قرآن کریم از دیدگاه نویسندگان استخراج گردیده و مورد تبیین قرار گیرند. لازم به ذکر است که پیش‌تر پژوهش‌های متعددی در زمینه قرائات در تفاسیر مختلف انجام شده است از جمله می‌توان به «روش‌شناسی رویکرد علامه طباطبایی در اختلاف قرائات» از «محمد ایروانی و مرتضی نجفی» (پژوهش‌های قرآنی شماره ۷۰ تابستان ۱۳۹۱)؛ «پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشی در قرائت‌های تفسیر طبری» (نوشته محمد جواد حیطاوی با راهنمایی محمد کاظم شاکر سال ۱۳۸۷)؛ «پایان‌نامه کارشناسی ارشد بررسی تطبیقی رویکرد و مبانی تفسیر صافی و کشف در زمینه قرائات» (نوشته گوکهان تاغال و راهنمایی محمد امینی، سال ۱۳۹۷) اشاره کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی در مورد اختلاف قرائات در تفسیر اُطیب البیان انجام نشده است. لذا این تحقیق در نظر دارد با روش توصیفی تحلیلی دیدگاه این مفسر را در مورد اختلاف قرائات قرآن را تبیین نماید. در این راستا انواع اختلاف قرائات مطرح شده در تفسیر اُطیب البیان و نیز روش مرحوم طیب در بیان اختلاف قرائات نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مفهوم‌شناسی

۱. مفهوم واژه «قرائت»

قرائت از ریشه (ق ر أ) بوده و در لغت به معنای جمع کردن و پیوستن (راغب، المفردات، ۱۴۱۲: ۶۶۸؛ قریشی، قاموس قرآن، ۱۳۶۷: ۱۹۳) و خواندن (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۵/۲۰۵) است. برای معنای اصطلاحی این واژه تعاریف مختلفی ارائه شده است. قسطلانی این واژه را در اصطلاح، علمی دانسته است که از آن اتفاق نقل کنندگان کتاب خدا و اختلاف در لغت و اعراب و حذف و اثبات و... به وسیله آن شناخته می‌شود (قسطلانی، لطائف الإشارات لفنون القرائات، ۱۳۹۲: ۶۷/۱) قرائت در تعریفی دیگر «عبارت است از علم و آگاهی به کیفیت اداء کلمات قرآن و اختلاف آن‌ها به شرط این که اداء این کلمات به راوی و ناقل آن منسوب گردد؛ یعنی بدانند که کیفیت اداء کلمات از کدام قاری است» (فضلی، تاریخ قرائات قرآن کریم ۱۳۸۸: ۱۶۳). زرکشی و زرقانی نیز آن را چگونگی ادای کلمات قرآن و اختلافات

مربوط به آن تعریف کرده‌اند (زرکشی، البرهان، بی‌تا؛ ۱/ ۴۶۵؛ زرقانی، مناهل العرفان، ۱۳۸۵: ۴۶۵). دمیاطی آن را علمی دانسته است که از رهگذر آن اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا، در رابطه با حذف و اثبات و متحرک خواندن و ساکن کردن و فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آن‌ها از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و همانند آن‌ها از طریق سماع و شنیدن، قابل شناسایی است (دمیاطی، إتحاف فضلاء البشر فی القرائات الأربع عشر، ۱۱۱۷: ۵).

۲. مفهوم سیاهی قرآن

مرحوم طیب قرائت صحیح را قرائت مطابق با سیاهی قرآن دانسته است. توجه به بیانات ایشان در تفسیر نشان می‌دهد منظور وی از سیاهی قرآن شکل نوشتاری متداول و مرسوم قرآن (قرآن کنونی) است که از زمان نبی ﷺ تا این زمان به نحو تواتر به ما رسیده است. او در این مورد می‌نویسد: «قرآن مجید آنچه نازل می‌شد مسلمین با کمال جدّیت و تمام رغبت ضبط، و مکرر بر یکدیگر قرائت، و تصحیح می‌نمودند و عده زیادی تمام قرآن را حفظ نموده و بر رسول اکرم ﷺ قرائت می‌کردند و از زمان نبی ﷺ به بعد هزارها قرآن نوشته شده و هزاران نفر آن را حفظ داشتند و حافظین قرآن رقیب قرآن‌ها بوده اگر یک قرآن بر خلاف سیاهی نوشته می‌شد آن را تصحیح می‌کردند و قرآن‌ها رقیب حافظین بوده اگر یک نفر بر خلاف سیاهی می‌خواند غلط شمرده می‌شد و حتی کسانی که می‌خواستند قرائت قرآن را رعایت کنند در حواشی قرآن به خط قرمز می‌نوشتند و از این جهت سیاهی قرآن به سواد یا سیاهی قرآن معروف شد (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۱). از این بیانات استفاده می‌شود که به عقیده مرحوم طیب حروف به همراه علائم و اعراب با رنگ سیاه در قرآن کریم نگاشته شده است.

مرحوم طیب و تفسیر «اطیب البیان»

سید عبدالحسین طیب فرزند سید محمد تقی طیب اصفهانی در سال ۱۲۷۷ ش در اصفهان به دنیا آمد و دروس سطوح را در مدرسه چهارباغ به اتمام رساند. او سپس به قم و نجف رفت. بعد از مراجعت از نجف دوباره به اصفهان بازگشت و در مدرسه صدر به تدریس پرداخت (ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ۱۳۷۳: ۱۴۳؛ طیب، مصاحبه با فصلنامه حوزه، ش ۳۳، سال ۱۳۶۸) وی در سال ۱۳۴۱ ش نگاشتن تفسیر اطیب البیان را شروع کرد و در سال ۱۳۵۹ ش به پایان رسانید. او در مقدمه کتاب انگیزه خود از نگاشتن تفسیر را چنین بیان داشته است: «دیر زمانی بود که در خاطر من خطور می‌نمود کتابی در تفسیر قرآن بنگارم و

روی این اندیشه حوزه‌های تفسیری تشکیل داده و جزوه‌های متفرقی در این باره به رشته تحریر درآورده بودم، ولی از طرفی قصور باع و قلت استعداد و اشتغالات درسی و عوائق و گرفتاری‌های دنیوی مرا از اقدام به این امر منع بلکه مأیوس می‌نمود. تا این‌که در شب سه شنبه پنجم جمادی الثانیة سال ۱۳۸۰ هجری قمری مطابق با ۲۲ آبان ماه ۱۳۳۹ شمسی در محضر بعضی از علماء اعلام به مجلس سوگواری حضرت صدیقه طاهره (ع) موفق شده و در ضمن توسل حالت وجدی در خود دیدم و از آن‌جا به منزل مراجعت نموده و در عالم رؤیا خدمت ثامن الحجج (ع) و حضرت ولی عصر (ع) مشرف شده و پس از مذاکراتی که بین آن دو بزرگوار راجع به زواری شد حضرت بقیه الله بعد از عنایاتی و ترضیه خاطری نسبت به حقیر و مروجین دین مرا امر به نوشتن تفسیری فرموده و وعده نصرت به من دادند، بعد از آن‌که از خواب بیدار شدم صدق رؤیای من ظاهر شده و وعده نصرت حضرتش تحقق یافته و من به نگارش و تألیف این کتاب به یاری حضرت رب الارباب و تاییدات حضرت حجت باتمام کوشش و اهتمام اقدام نمودم و از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که توفیق اتمام آن را به این بنده ضعیف عنایت، و مرا بیش از پیش در ترویج دین مبین و نشر احکام حضرت سید المرسلین نصرت و یاری فرماید و چون در تفسیر آیات قرآن از احادیث و بیانات خاندان نبوت و معادن علم و حکمت حضرت احدیت استفاده نمودم و حقاً که بیانات ایشان بهترین و پاکیزه‌ترین بیانات در تفسیر قرآن بوده و این جامه تنها به قامت اینان راست آمده است، لذا این کتاب را «اطیب البیان فی تفسیر القرآن» نامیدم و این هدیه ناقابل را حضور ولی عصر (ع) تقدیم می‌نمایم (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۳/۱). این تفسیر به زبان فارسی بوده و در چهارده مجلد چاپ شده است (شهیدی صالحی، تفسیر و تفاسیر شیعه، ۱۳۸۱: ۳۳۸). مرحوم طیب سرانجام در ۱۰۱ سالگی چشم از جهان فرو بست و در محوطه مسجد کازرونی اصفهان به خاک سپرده شد.

۳. مرحوم طیب و اختلاف قرائت

مرحوم طیب در مقدمه تفسیر خود به نظرات علماء در مورد قرائت صحیح که برخی قائل بر صحت قرائت یکی از قرآء عشره (عمر و بن علاء بصری، عبد الله بن کثیر مکی، نافع بن عاصم مدنی، عبد الله بن عامر شامی، عاصم و حمزه و کسایی کوفی بن فقعاع مدنی و یعقوب بن اسحق حضرمی و خلف ابن هشام) بوده و برخی دیگر مجرد صحت عربیت را در قرائت کافی دانسته‌اند اشاره نموده است. وی در ادامه به بیان دیدگاه خود پرداخته و در این راستا به

نظر استاد خود علامه بلاغی اشاره نموده است که اعتقاد دارد تنها قرائت صحیح قرائت با سیاهی قرآن است. از نظر وی دیدگاه صحیح همین نظر اخیر است. وی در نقد نظر گروه اول به دلایل آن‌ها اشاره و آن‌ها را مورد نقد قرار داده است. متواتر بودن قرائت هر يك از قراء هفت‌گانه از زمان ایشان تا زمان حاضر اولین دلیل است. او این ادعا را مخدوش دانسته است. چون اولاً قرائت هر کدام از ایشان به واسطه دو راوی به آن‌ها منتهی می‌شود و در بسیاری از موارد در روایت کردن از ایشان با هم اختلاف دارند و خود این اختلاف موجب عدم ثبوت قرائت هر يك از قراء می‌شود و بر فرض ثبوت قرائت هر يك از قراء، تازه هر کدام شخص واحدی بوده که عدالت و وثوق او ثابت نیست و از واحد دیگری روایت کرده که حال اغلب آن‌ها در روایت مثل خود او است و حتی سندهای هیچ کدام از این قرائات نزد اهل سنت صحیح و معتبر نیست تا چه رسد به شیعه امامیه، و تعجب این است که بعضی قرائات قراء سبعة را از نبی ﷺ متواتر می‌دانند، و حال آنکه سند هر يك از قراء مضبوط است و علاوه بر اینکه حال راویان آن‌ها معلوم و اغلب غیر معتبر و مخدوشند، از آحاد تجاوز نمی‌کند تا چه رسد به اینکه متواتر باشد و ثانیاً از استدلال هر يك بر صحت قرائت خود و وجوه ترجیح آن بر سایر قرائات معلوم می‌شود که قرائت آن‌ها از روی اجتهاد بوده و مستند به روایت نیست، مانند استدلالاتی که در ترجیح کلمه ملك بر مالك و عکس آن می‌کنند ثالثاً نفس اختلاف قراء و تعارض آن‌ها تمام را از اعتبار ساقط می‌کند زیرا هر يك قرائت دیگری را باطل می‌داند.

دلیل دوم استناد به حدیث «ان القرآن نزل علی سبعة احرف» (قرآن بر هفت حرف نازل شده است) است که از طریق عامّه از پیغمبر ﷺ روایت شده است و استدلال کرده‌اند که مقصود از هفت حرف، هفت قرائت است، او این استدلال را نیز مخدوش دانسته است برای اینکه اولاً سند این اخبار حتی در رجال عامّه ضعیف شمرده شده، و ثانیاً معارض با اخبار دیگری است که نقل کرده‌اند: «انّ القرآن علی اربعة احرف» و ثالثاً در معنای سبعة احرف اختلاف است. رابعاً معارض با اخبار دیگری است که از طریق عامّه نقل شده مثل خبری که ابن انباری از عبد الرحمن سلمی نقل می‌کند که گفت «قرائت ابی بکر و عمر و عثمان و زید بن ثابت و مهاجرین و انصار یکی بود» ... خامساً این اخبار با اخباری که از ائمه هدی به طریق شیعه رسیده مردود است مثل حدیثی که کافی مسنداً از حضرت باقر (علیه السلام) و صدوق (علیه السلام) در عقائدش از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که «انّ القرآن واحد نزل من عند واحد و لکن الاختلاف یجیء من الروات» (به درستی که قرآن یکی است و از جانب خداوند یکتا نازل شده

و اختلاف از ناحیه راویان آمده است) سادسا بالوجدان واضح است که جبرئیل قرآن را بر پیغمبر هفت مرتبه و هر مرتبه بر طبق قرائت یکی از قراء نازل نکرده این ادّعاء هم بدون دلیل و باطل است زیرا ظاهر از ناس عموم مسلمین از عامّه و خاصّه هستند که قرآن را مطابق سیاهی قرائت می‌کنند و تنها بعضی از قراء که بخواهند اظهار فضلی کنند بر طبق قرائت قراء سبع می‌خوانند، لذا این خبر دلیل بر مدّعی ماست نه ادّعی آنها (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۰).

دلایل ارائه شده توسط مرحوم طیب بر رد صحت قطعی قرائات هفت‌گانه متقن هستند و هیچ دلیلی بر صحت این قرائات و تواتر آنها وجود ندارد. لازم به ذکر است که به عقیده وی اعتماد و رجوع به قراء در مورد تشخیص مخارج حروف و مراعات مدّ لازم و ادغام و قلب و اخفاء و اظهار و تفخیم و ترقیق و اماله و اشمام و وقف و وصل و امثال این‌ها در صورتی که از عرف عرب خارج نشود و شرایط خبرویت در آنها موجود باشد، مانعی ندارد؛ بلکه بسا لازم است (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۱).

۴. مرحوم طیب و قرائت صحیح

چنان‌چه ذکر شد نویسنده تفسیر اُطیب البیان در تفسیر آیات هر قرائتی را نپذیرفته و تنها معتقد به صحت قرائت مطابق با سیاهی قرآن است. او در موارد متعددی از تفسیر خود به این مطلب اشاره داشته است و در مورد ارتباط قرائت مطابق با سیاهی با قرائت حفص از عاصم تأکید کرده است سیاهی قرآن مطابق قرائت حفص از عاصم نیست بلکه باید گفت قرائت حفص از عاصم مطابق سیاهی است (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۷/ ۱۶۵). گویا وی خواسته است این نکته را برساند که معیار صحت قرائت مطابق با سیاهی قرآن کریم مستند بودن قرائت به قرائت حفص از عاصم نیست بلکه چون قرائت حفص از عاصم مطابق با سیاهی است مورد پذیرش است. دلایل او بر صحت قرائت مطابق با سیاهی عبارتند از:

۱. تواتر قرائت مطابق با سیاهی قرآن

مرحوم طیب در جای جای تفسیر خود هنگام بحث از قرائت معتبر تواتر قرائت مطابق با سیاهی را به عنوان معیار مطرح کرده است. به نوشته وی این سیاهی به نحو تواتر بلکه فوق آن از زمان پیغمبر ﷺ دست به دست، به ما رسیده و قابل هیچ گونه خدشه نیست» (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۱).

۲. وجود اجماع بر قرائت مطابق با سیاهی قرآن

به نوشته مرحوم طیب در تفسیر اطیب البیان دلیل صحت قرائت مطابق با سیاهی قرآن وجود اجماع در این زمینه است. وی در این رابطه چنین آورده است: «دیگر این که قرائت سیاهی قرآن به اجماع مسلمین بلکه ضرورت دین صحیح است و احدی در صحت آن اشکال نکرده ولی غیر سیاهی باطل نباشد مورد شبهه و اشکال است بنابراین نباید امر قطعی یقینی را کنار گذاشته و به مشکوک عمل کرد» (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۲).

۳. عدم وجود مدرک بر صحت قرائت قرآء

گاهی مرحوم طیب در خلال تفسیر آیات دلیل خود بر انتخاب قرائت مطابق با سیاهی را عدم وجود مدرک بر صحت قرائت قرآء معرفی نموده است. به عنوان نمونه در تفسیر ﴿إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (حدید/ ۱۸) آورده است: «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ اعم از صدقات واجبه مثل زكاة و کفارات و نذور و فطره و صرف برای اعلاء کلمه اسلام و مستحبّه مثل دستگیری از فقراء و ضعفاء و سائلین و بعض قرآء بدون تشدید قرائت کردند بمعنی تصدیق کنندگان که مرادف با ایمان است، لکن مکرر گفته ایم که معتبر همان سیاهی قرآن است و همین متواتر است و مدرکی بر صحت قرائت قرآء بر خلاف آن نداریم» (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۴۳۲).

یا در بیان اختلاف قرائت «میتا» در آیه ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّارِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام/ ۱۲۲) نبودن مدرک خبری در مورد قرائت غیر سیاهی را دلیل رد آن قرائت عنوان کرده است: «سیاهی قرآن میتا به تخفیف است و قرائت به تشدید هم شده و لکن مکرر گفته ایم معتبر همان سیاهی است و قرائت بر خلاف سیاهی اجتهاد قرآء است مدرک خبری ندارند» (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۵/ ۱۹۲).

۴. اجتهاد مقابل نص بودن قرائات دیگر

مرحوم طیب در ذیل تفسیر آیه ﴿ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ﴾ (انعام/ ۲۳) که به اختلاف قرائت کلمه «فتنتهم» اشاره کرده است قرائت بر خلاف سیاهی را اجتهاد در مقابل نص دانسته و رد کرده است (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۵/ ۳۴).

بررسی و نقد

هر چند تحلیل مرحوم طیب در مورد اهتمام مسلمانان به حفظ و ضبط صحیح آیات قرآن کریم غیر قابل انکار است و مسلمانان بنا به دستور و سفارش‌های اکید پیامبر ﷺ نسبت به حفظ قرآن کریم و آموزش آن جدیت خاصی نشان می‌دادند، ولی دلیل مزبور تنها می‌تواند تواتر قرآن را ثابت کند و این امر زمانی می‌تواند دلیلی قابل قبول بر صحت قرائت مطابق با سیاهی قرآن تلقی شود که تواتر اعراب کنونی قرآن کریم و قرائت مطابق با آن در تک تک کلمات و حروف قرآن قطعی باشد، در حالی که حداقل در مورد قرائت برخی حروف و کلمات قرآن کریم قرائت‌های مشهور دیگری گزارش شده است و چنین تواتری دیده نمی‌شود. هم‌چنین تصور سیاهی قرآن در اعراب کلمات قرآن که مرحوم طیب در انتخاب اعراب صحیح به آن استناد جسته است، محل تأمل است؛ چون طبق گزارشات تاریخی سیاهی قرآن تنها در مورد حروف قرآنی قابل تصور است که به رنگ سیاه نگاشته می‌شد و علائم با رنگ قرمز بر روی حروف قرآن که به رنگ سیاه بود نگاشته می‌شد (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۶۹: ۵۳۵) متفاوت بودن رنگ اعراب و نقاط با رنگ سیاه حروف قرآن کریم به جهت آن بود که با اصل قرآن مشتهب نشود و جزء قرآن محسوب نشود و حتی تا قرن پنجم هجری نیز برخی با اصل نقطه گذاری قرآن مخالفت کرده و آن را بدعت می‌دانستند (رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۶۹: ۵۴۵) لذا تصور چنین قرآنی با این خصوصیات به رنگ سیاه مستند تاریخی ندارد و چنان‌چه از بیانات مرحوم طیب استفاده می‌شود ایشان اعراب قرآن را از زمان پیامبر ﷺ در مصاحف مکتوب دانسته است و از آن تعبیر به سیاهی کرده است. به عنوان نمونه هنگام بیان اختلاف قرائات در اعراب کلمات یک قرائت را انتخاب نموده و آن را مطابق با سیاهی قرآن دانسته است (طیب، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۴۰۵/۱۰؛ ۵۱۰/۱۰ و ۲۶۷/۱۴).

این نظر با توجه به استنادات تاریخی تصور اشتباهی است چون استنادات تاریخی نشان می‌دهد که اعراب قرآن کریم در زمان ابوالاسود دؤلی و توسط ایشان در زمان ولایت زیاد بن سمیه بر کوفه بین سال ۵۰ تا ۵۳ هجری انجام شده است (زنجانی، ۱۳۶۰: ۱۳۵).

البته لازم به ذکر است بیانات عده‌ای از قرآن پژوهان معاصر که اشاره به مورد تقریر ائمه بودن اعراب قرآن‌های کنونی نموده‌اند می‌تواند به عنوان تأییدی بر این دیدگاه تلقی شود: «از آن‌جا که قرآن در عصر حضور امامان معصوم نقطه گذاری و اعراب گذاری شده بود و از جانب آن بزرگواران اعتراضی به نقطه و اعراب گذاری قرآن صادر نشده مشخص می‌شود نقطه و اعراب گذاری آیات مورد تأیید و تقریر ایشان بوده است و با توجه به این که پس از عصر حضور

امامان معصوم نیز تغییری در اعراب رسمی قرآن‌های معروف و مشهور در میان مسلمانان گزارش نشده بنابراین اعراب کنونی قرآن در عصر حاضر همان اعراب مورد تقریر عصر معصومین علیهم‌السلام می‌باشد و سایر قرائت‌های مخالف با این اعراب فاقد اعتبار خواهند بود» (بابایی، قواعد تفسیر قرآن، ۱۳۹۴: ۵۷) ولی توجه به گزارشات تاریخی نشان می‌دهد که بعد از آن که اعراب و اعجام قرآن انجام شد باز مردم مصاحف خود را طبق هر قرائتی که می‌پسندیدند اعراب‌گذاری می‌کردند (ابن مجاهد، السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۷۸). لذا با توجه به این که اعراب‌گذاری واحدی برای قرآن در طول تاریخ وجود نداشته است دقیقاً باید مشخص شود که تقریر ائمه علیهم‌السلام در مورد کدام اعراب‌گذاری بوده است؟

هم چنین اگر تصور مرحوم طیب در این زمینه صحیح بود هیچ وجهی بر اختلاف قرائات در طول تاریخ وجود نداشت و تمام مسلمانان با اختلاف قرائات با شدت مقابله می‌کردند؛ در حالی که چنین اتفاقی صورت نگرفته است و بنا به گزارشات تاریخی اختلاف قرائات در قرن سوم به حدی زیاد بود که ابن مجاهد به انحصار قرائات هفت‌گانه روی آورد و طبق نقل ابن جزری در قرن سوم و چهارم هجری اختلاف قرائات در بلاد مختلف اسلامی به حدی رسید که ائمه قرائت را بر آن داشت تا با گزینش قرائات، دامنه اختلافات را محدود سازند که در این زمینه کتاب‌های متعددی از اوائل قرن سوم به نگارش درآمد و تا قرن چهارم و حتی پس از ابن مجاهد این کار ادامه یافت (ابن جزری، النشر فی قرائات، بی تا: ۱/ ۳۴). همو در جای دیگری تصریح کرده است قرائات هفت‌گانه و ده‌گانه یا سیزده گانه امروزی نسبت به قرائاتی که در دوره‌های سابق وجود داشت اندکی از کثیر و قطره‌ای از دریا می‌باشد (همان، ۱/ ۳۳).

در خصوص اجماع بر صحت قرائت مطابق با سیاهی قرآن نیز باید گفت در اجماع عموم مسلمانان در این مورد تردید وجود دارد چنان‌چه ذکر شد در طول تاریخ در قرائت صحیح برخی کلمات قرآن اختلاف نظر جدی بین ائمه قرائات وجود داشته است.

یهم چنین جای تأمل است که اگر مرحوم طیب ملاک را قرائت مطابق با سیاهی قرار داده است چرا در تفسیر آیاتی مثل ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾ (حمد/ ۴)؛ «مالک [و پادشاه] روز جزا [است]». برخلاف نگارش کلمه «ملک» عمل نموده و به صورت «مالک» تفسیر کرده است؟ (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۰۴) شاید بتوان به این صورت پاسخ داد که به عقیده ایشان اعراب این کلمه با قرار گرفتن الف لینه بالای حرف میم مشخص شده بود که با توجه به دلایلی که ذکر شد این حرف با مستندات تاریخی سازگاری ندارد و ثبت اعراب کلمات

در زمان پیامبر ﷺ انجام نشده بود و متواتر از زمان پیامبر ﷺ نیست و اگر گفته شود مرحوم طیب این قرائت را به علت مطابقت با قرائت حفص از عاصم انتخاب کرده است و قرائت حفص از عاصم به دلیل رواج و شهرت بین مسلمانان قرائت صحیحی بوده است باید گفت در همه جا اتفاق بر قرائت واحد بر مبنای رواج و شهرت قرائت حفص از عاصم وجود نداشته است و در تعداد قابل توجهی از کشورهای اسلامی قرائتی غیر از قرائت حفص از عاصم بین مسلمانان متداول و رایج بوده است. چنان که در سودان، سومالی و نیجریه قرائت دوری از ابوعمرو و در کشورهای مغرب اسلامی قرائت ورش از نافع و در یمن قرائت قالون از نافع رواج دارد (حسینی جلالی، دراسه حول القرآن الکریم، ۱۴۲۲: ۳۴۲) اگر گفته شود که مرحوم طیب این قرائت را که مطابق با قرائت حفص از عاصم است به این دلیل انتخاب کرده است که این قرائت مطابق با سیاهی قرآن بوده و حفص این قرائت را به دلیل مطابقت با سیاهی قرآن انتخاب کرده است، نیاز به دلیل و استنادات تاریخی دارد که وجود ندارد.

روش مرحوم طیب در اثبات قرائت صحیح و رد قرائات دیگر

مرحوم طیب از روش واحدی در ذکر اختلاف قرائات بهره نبرده است. او گاهی بعد از ذکر اختلاف قرائت در صدد اثبات قرائت مطابق با سیاهی قرآن برآمده است و گاهی نیز با دلیل قرائات دیگر را رد کرده است. در این قسمت این دلایل مورد تبیین قرار خواهند گرفت:

۱. استفاده از دیگر آیات قرآنی

مرحوم طیب در اثبات صحت قرائت مطابق با سیاهی از آیات دیگر بهره برده است. از جمله در اثبات صحت قرائت «بُشْرًا» در آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف/ ۵۷)؛ «و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده رسان می فرستد، تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم، و از آن، باران فرود آوریم؛ و از هر گونه میوه ای [از خاک] برآوریم. بدینسان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می سازیم، باشد که شما متذکر شوید» و رد قرائاتی که به صورت «نُشْرًا» قرائت کرده اند از آیه ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ» (روم/ ۴۶)؛ «و از نشانه های او این است که بادهای بشارت آور را می فرستد، تا بخشی از رحمتش را به شما بچشانند و تا کشتی به فرمانش روان گردد، و تا از فضل او [روزی] بجوید، و امید که

سپاسگزاری کنید» استفاده کرده است (طیب، أطيّب البيان في تفسير القرآن، ۱۳۷۴: ۶۳۱/۹ و ۳۴۵/۵) او در رد قرائت شاذّ نیز از آیات قرآن بهره برده است. به عنوان نمونه در رد قرائت «غیر المغضوب علیهم و غیر الضالّین» می نویسد: «یکی از اهل ضلال در تحریف نمودن سوره حمد این نحو قرائت کرده غیر المغضوب علیهم و غیر الضالّین و این جمله به خوبی رد او را می کند که خداوند عطف بر «غیر مُسافِحَاتٍ» را (و لا متّخذات اخدان) قرار داده و (غیر متّخذات اخدان) نفرموده است» (طیب، أطيّب البيان في تفسير القرآن، ۱۳۷۴: ۵۶/۴).

۲. استفاده از قواعد نحوی در اثبات صحت قرائت

روش دیگر مرحوم طیب در اثبات صحت قرائت مورد نظر خود استفاده از قواعد نحوی است. چنان چه در مورد آیه «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (مانده/ ۷۲)؛ «کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است»، قطعاً کافر شده اند، و حال آنکه مسیح، می گفت: «ای فرزندان اسرائیل، پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید؛ که هر کس به خدا شرک آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران یاورانی نیست» انجام شده است: «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ اخْتِلَافٌ زِيَادِيٌّ بَيْنَ مَفْسَرِينَ است در اینکه این جمله معطوف به کجا است. اولاً سیاهی قرآن کلمه ان به کسر است ولی بعض مفسرین به فتح قرائت کرده اند و بنا بر فتح بعضی گفتند معطوف به جمله أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ و کلام عیسی (علیه السلام) است و بعضی گفتند معطوف به جمله «وَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا» یعنی «و قضی ان الله ربی و ربکم»، بعضی گفتند جمله مستانفه است بعضی گفتند متعلق به فاعبده است مدخول لام خبر یعنی فاعبده لان الله ربی و ربکم لکن چون معتبر سیاهی قرآن است و این جمله معطوفست به جمله «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ» و مربوط به کلام عیسی نیست و دستور الهی است به نبی اکرم ﷺ که به این کفار و مشرکین و یهود و نصاری بفرما که خداوند اتخاذ ولد نکرده و محققاً پروردگار من و شماست» (طیب، أطيّب البيان في تفسير القرآن، ۱۳۷۴: ۸/ ۴۴۰). هم چنین در اثبات قرائت صحیح «مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» در آیه «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ جَرَّاهَا وَ مُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (هود/ ۴۱)؛ «نوح گفت سوار شوید و بگوئید: بسم الله. و حرکت آن و توقف آن با خدا است. البته پروردگار من آمرزنده مهربان است» به اسم زمان بودن این دو کلمه استناد جسته است (طیب، أطيّب البيان في تفسير القرآن، ۱۳۷۴: ۷/ ۵۴). همین روش در مورد قرائت

«يُصْرَفُ عَنْهُ» نیز به کار رفته است: «یصرف در قرائت سیاهی فعل مجهول است و نایب فاعل ضمیر است که مرجع آن عذاب است که در آیه قبل ذکر فرموده و صارف خداوند متعال، و در بعضی قرائت‌ها فعل معلوم بفتح تاء و کسر راء قرائت شده و فاعلش ضمیر و مرجع آن کلمه «رَبِّي» در «إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي» است و این قطع نظر که خلاف سیاهی قرآن است و اعتبار ندارد خلاف ظاهر هم هست زیرا مفعول آن ذکر نشده و ضمیری که راجع به عذاب باشد هم مذکور نیست باید در تقدیر گرفت و تقدیر خلاف ظاهر است (طیب، أطيب البيان في تفسير القرآن، ۱۳۷۴: ۲۵/۵).

۳. استفاده از تفسیر در اثبات صحت قرائت

بهره بردن از تفسیر در اثبات صحت قرائت مطابق با سیاهی و رد قرائات دیگر نیز در این تفسیر دیده می‌شود. به عنوان نمونه در تفسیر ﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (توبه/ ۱۱۸)؛ «و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند، [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آن‌جا که زمین با همه فراخی‌اش بر آنان تنگ گردید، و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست. پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد، تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است». با استفاده از معنای کلمه «الَّذِينَ خُلِفُوا» (قرائت طبق سیاهی قرآن) و «الَّذِينَ خَالَفُوا» (طبق قرائت قرآء) نظر خود را اثبات کرده است: «در بعضی اخبار «خالفوا» قرائت نموده‌اند و استدلال فرموده به این‌که معنای خلفوا یعنی عقب افتادند در جنگ تبوك و این گناهی نیست که احتیاج به توبه داشته باشد، و اما خالفوا معنای مخالفت است و معصیت سپس توبه کردند و خداوند قبول توبه فرمود و این اخبار دال بر تحریف است، لکن مکرر گفته‌ایم که این اخبار اگر معتبر باشد تفسیر به معنی است یعنی معنای تخلف تخالف است زیرا تخلف و عقب افتادن تارة از روی قصور و عدم تمکن است و تارة از روی مسامحه و تقصیر است پس معنای تخلف به قرینه توبه و قبول آن به معنای تخالف و اخبار به این نکته اشاره دارد» (طیب، أطيب البيان في تفسير القرآن، ۱۳۷۴: ۳۲۸/۶).

شاهد دیگر آیه ﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (اعراف/ ۳۸)؛ «در میان امت‌هایی از جنّ و انس، که پیش از شما بوده‌اند، داخل آتش شوید.» هر بار که امتی [در آتش] درآید، هم‌کیشان خود را لعنت کند، تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند؛ [آن‌گاه] پیروانشان درباره

پیشوایانشان می‌گویند: «پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند، پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده.» [خدا] می‌فرماید: «برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمی‌دانید». فعلاً نظر به اینکه «وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا» سیاهی به فتحه است و بعضی به ضمه خوانده‌اند، و مکرر گفته‌ایم معتبر سیاهی است و مناسب هم از حیث معنی همین است زیرا ضعف به ضم به معنی سستی بدن است و کمی قوه بدنی لذا در آیه شریفه ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا﴾ (روم/ ۵۳)؛ «و تو کوران را از گمراهی‌شان به راه نمی‌آوری. تو تنها کسانی را می‌شنوانی که به آیات ما ایمان می‌آورند و خود تسلیم‌اند) در هر سه مورد مضموم است مطابق صحائف شیعه به خلاف صحائف عامه که مفتوح قرائت کردند و هم چنین در حدیث شریف کساء «انی لاجد فی بدنی ضعفا» مضموم است و اما در این آیه مفتوح است و به معنی سستی ایمان و روح ایمانی است حکم از ده برابر بد و برابر رسید «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ» صد نفر باشید صابره که قوه صابره داشته باشید یَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ زیرا ضعیف الایمان قوی‌تر است بر فاقد الایمان لذا حکماء گفتند وجود ضعیف بهتر از عدم صرف است و در باب صدقه هم خبر از امیر المؤمنین (علیه السلام) است که صدقه قلیله بهتر از ترک است (طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۶ / ۱۵۷).

او در اثبات قرائت مطابق با سیاهی واژه «خَاتَم» در آیه شریفه ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَوَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (احزاب/ ۴۰)؛ «محمد پدر هیچ يك از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است. و خدا همواره بر هر چیزی داناست» نیز به معنا استناد کرده است: «وَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ سیاهی قرآن که مطابق قرائت عاصم است و نزد ما معتبر است قرائت حفص از عاصم چنانچه در مقدمات این تفسیر بیان کردیم و گفتیم قرائت حفص از عاصم مطابق سیاهی قرآن است نه سیاهی مطابق قرائت اوست خاتم بفتح تاء است و بمعنی مهر و امضاء دفتر نبوت است و چند دلالت دارد یکی آنکه آخر دفتر مهر و امضاء می‌کنند دلیل بر این است که اگر بعد از او جمله نوشته شود مربوط به صاحب مهر و امضاء نیست و دلیل بر ختم نبوت است که شریعتش تا دامنۀ قیامت باقی است و یکی آن‌که آن‌چه قبل از مهر و امضاء است مستند به صاحب مهر است و وجود مقدسش اعتبار نبوت جمیع انبیاء سلف را ثابت فرمود که اگر قرآن مجید او و فرمایشات او نبود ما هیچ دلیلی بر اثبات انبیاء سلف نداشتیم نه از طریق یهود و نه از طریق نصارا و نه غیر آن‌ها چنانچه در مجلد اول کلم الطیب مفصلاً و مشروحاً بیان شده و دیگر آنکه افضلیت او را در جمیع کمالات بر سایر انبیاء دلالت دارد و اما اگر به کسر تاء باشد فقط دلیل به خاتمیت او است» (طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۵۱۰).

هم چنین در آیه ﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَى﴾ (طه/ ۷۷): «و در حقیقت به موسی وحی کردیم که: «بندگانم را شبانه ببر، و راهی خشک در دریا برای آنان باز کن که نه از فرار رسیدن [دشمن] بترسی و نه [از غرق شدن] بیمناک باشی». بعد از بیان نقش آن و معنایی که طبق آن نقش در جمله دارد دیدگاه مدنظر خود را که قرائت به صورت «لا تَخَافُ» است اثبات کرده است: «(دَرْكًا وَلَا تَخْشَى) بعضی قراء «لا تخف» قرائت کردند جزء لجملة و اضرب لکن لا تخاف نتیجه و فائده و ثمره است از برای جمله قبل یعنی چون ضرب در بحر واقع شد و طریق یابس به وجود آمد دیگر نمی ترسی از اینکه فرعونیان شما را درک کنند و به شما دست یابند» (طِيبُ الْبَيَانِ فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۷۰/۹).

رویکردهای مرحوم طیب در بیان اختلاف قرائات

مرحوم طیب در موارد متعددی از تفسیر آیات قرآن به اختلاف قرائت ها بدون ذکر نام قاری اشاره نموده است و در نهایت آیات قرآن را با قرائت مطابق با سیاهی قرآن تفسیر نموده است. به عنوان نمونه در مورد قرائت واژه «هَيْتَ» چنین آورده است: «در قرائت هیت اختلاف زیادی در قراء شده لکن نظر به این که ما جز سیاهی قرآن هیچ قرائتی را معتبر نمی دانیم و او به فتح ها و تا و سکون یاء است و هیت اسم فعل است به معنی هلم یعنی بشتاب و کلمه لک یعنی به نفع تو است که اگر چنین کنی نزد من بسیار عزیز می شوی و سفارش تو را هم نزد عزیز و نزد ملک می کنم و از من بهره برداری کامل می کنی» (طِيبُ الْبَيَانِ فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۷۷/۷).

او در برخی موارد فقط به ذکر وجود اختلاف قرائات اشاره نموده و نوع اختلاف قرائات را مطرح نکرده است. به عنوان نمونه در تفسیر آیه ﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۱۲۴): «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم. « [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی رسد) چنین آورده است: «و در این کلمه (إِذْ) بین قراء اختلاف است و چهار لغت در آن گفته اند بلکه آیه را به این لغات مختلفه قرائت نموده اند ولی بنا بر مسلك ما در تفسیر همان قرائت سیاهی معتبر است و ابراهیم مفعول «ابتلی» و فاعل آن رَبُّه می باشد» (طِيبُ الْبَيَانِ فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۷۹/۲).

رویکرد دیگر وی در ذکر اختلاف قرائات بیان نوع اختلاف قرائات است. به عنوان نمونه در تفسیر آیه «أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعِ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف/ ۱۲)؛ «فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند، و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود» به وجود اختلاف قرائت در دو کلمه «یرتع» و «یلعب» اشاره نموده و بعد از ذکر نوع اختلاف قرائت که در یاء یا نون بودن ضمیر افعال مربوطه است قرائت معتبر را فقط سیاهی قرآن معرفی کرده است (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۷/ ۱۶۵).

یا در تفسیر آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» (روم/ ۵۴)؛ «خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آن گاه پس از ناتوانی قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوانی و پیری داد. هر چه بخواهد می‌آفریند و هموست دانای توانا» همین رویکرد را دارد: «در قرائت عاصم و حمزه ضعف به ضم قرائت شده و قرائت حفص از عاصم مطابق سیاهی قرآن است و بقیه قراء بفتح قرائت کرده‌اند و ما در مقدمه این تفسیر بیان کردیم که هر چه بر خلاف سیاهی قرآن است اعتبار ندارد» (طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۰/ ۴۰۵).

مرحوم طیب در مواردی نیز بعد از ذکر اختلاف قرائات آیه را با هر دو قرائت تفسیر نموده است. وی در تفسیر آیه «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/ ۱۰۰)؛ «و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنودند، و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانه‌اند. این است همان کامیابی بزرگ»؛ به قرائت مطابق با سیاهی قرآن اشاره نموده و بعد از تفسیر آیه طبق این قرائت به قرائت برخلاف سیاهی نیز اشاره نموده و تفسیر آن را بدون نقد بیان داشته است: «الانصار مطابق سیاهی قرآن که راء مکسور است عطف به مهاجرین است یعنی سابقین از انصار کسانی که از مدینه به مکه مشرف شدند و ایمان آوردند و حضرت را دعوت به مدینه کردند و موقع هجرت استقبال شایانی از آن حضرت کردند و آن حضرت را و مهاجرین را در منازل خود جای دادند. و اما اگر بر خلاف سیاهی قرائت غیر مشهور باشد عطف به و السابقون است و مرفوع است و سابقون مخصوص به مهاجرین است (طیب، اُطیب البیان، ۱۳۷۴: ۶/ ۳۰۱).

در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا» نیز این روش دیده می‌شود: «سیاهی قرآن نقص به صاد است بدون نقطه بعضی قرائت کردند نقص به ضاد منقوط، و نقص به معنی کمی در شرائط معاهده است یعنی هیچ‌گونه عملی جزئی و کلی بر خلاف معاهده از آن‌ها سر نزده باشد و این معنی اعم و انسب است که اگر قدمی بر خلاف معاهده بردارند از مورد آیه خارج میشوند به خلاف نقص منقوط که ظاهر آن این است که به کلی معاهده را نقص کنند».

(طیب، اَطِيبُ الْبَيَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، ۱۳۷۴: ۱۷۷/۶)

مرحوم طیب و انواع اختلاف قرائات

نظرات علمای اسلامی در مورد انواع اختلاف قرائات متفاوت است. برخی نظیر استاد معرفت عقیده به بیش از حد شمارش بودن انواع اختلاف قرائت‌ها دارند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱۰۷/۲). برخی دیگر اختلاف قرائات را در هفت نوع منحصر کرده‌اند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، بی‌تا: ۱/۳۳۴؛ زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۳۸۵: ۱/۱۴۳). برخی از انواع اختلاف قرائات مطرح شده توسط علمای اسلامی به قرار زیر است:

اختلاف در اصل کلمه با تغییر در شکل نگارش (عمر، معجم القرائات القرانیه، ۱۹۹۱: ۸/۲۲۱)، اختلاف در کلمه با تغییر در شکل نگارش و معنای آن (خویی، البیان، ۱۳۸۲: ۲۴۲؛ جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۲۶۸)، اختلاف در حروف کلمه بدون تغییر در اعراب و شکل (ابن جزری، بی‌تا: ۲/۲۳۱) اختلاف در حرکت و سکون (دانی، التیسیر فی قرائات السبع، ۱۳۶۲: ۱۹۹)، اختلاف در مد و قصر (همان، ۸۷)، اختلاف در زیاده و نقصان (همان، ۱۹۷؛ جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۲۶۹)، اختلاف در اعراب کلمات (همان، العوا، بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظایر در قرآن، ۱۳۸۲: ۱/۲۰۴)، اختلاف در تقدیم و تأخیر (البیلی، بی‌تا: ۴۰۵؛ عظیم‌زاده، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، ۱۳۸۰: ۹۳؛ طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۱/۴۰۱).

انواع اختلافات مطرح شده در تفسیر اَطِيبُ الْبَيَانِ عبارتند از

۱. اختلاف در تصریف افعال

از اختلاف قرائات مطرح شده در تفسیر اَطِيبُ الْبَيَانِ اختلاف در مفرد و جمع بودن کلمه «يَحْشُرُهُمْ» در آیه «وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام/۱۲۸)؛ «و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد

می‌آورد [و می‌فرماید: «ای گروه جنیان، از آدمیان [پیروان] فراوان یافتید» و هواخواهان آن‌ها از [نوع] انسان می‌گویند: «پروردگارا، برخی از ما از برخی دیگر بهره‌برداری کرد، و به پایانی که برای ما معین کردی رسیدیم. » [خدا] می‌فرماید: «جایگاه شما آتش است؛ در آن ماندگار خواهید بود، مگر آن‌چه را خدا بخواهد [که خود تخفیف دهد]؛ آری، پروردگار تو حکیم دانا است»؛ که قرائت با «یاء» چون با سیاهی قرآن مطابق است از سوی مرحوم طیب پذیرفته شده است (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۲۰۱/۵).

۲. اختلاف در اعراب

اختلاف در اعراب کلمات از پربسامدترین اختلافات مطرح شده در این تفسیر است (طیب، اطیب البیان فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۳۹۰/۲؛ ۴۱۲/۴؛ ۴۵/۵؛ ۸۵/۵؛ ۸/۸؛ ۴۴۰/۱۴؛ ۲۶۷/۱) به عنوان نمونه می‌توان به اختلاف قرائات در «مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» در آیه «وَقَالَ اِزْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا اِنَّ رَبِّيْ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ» (هود/۴۱)؛ «نوح گفت سوار شوید و بگوئید: بسم الله. و حرکت آن و توقف آن با خدا است. البته پروردگار من آمرزنده مهربان است» (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۵۴/۷) اشاره نمود.

۳. اختلاف در زیاده و نقصان

برای اختلاف در زیاده و نقصان می‌توان به مثال‌های زیر استناد جست: اختلاف در قرائت کلمه «لا تخاف» در آیه «وَلَقَدْ اَوْحَيْنَا اِلٰى مُوسٰى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْ فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِى الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَّ لَا تَخْشٰى» (طه/۷۷)؛ «و در حقیقت به موسی وحی کردیم که: «بندگانم را شبانه ببر، و راهی خشک در دریا برای آنان باز کن که نه از فرارسیدن [دشمن] بترسی و نه [از غرق شدن] بیمناک باشی) است که طبق نوشته مرحوم طیب بعضی قراء به صورت «لا تخف» قرائت کرده‌اند (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴، ۷۰/۹) مورد دوم در مورد قرائت واژه «ذوا» در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُوهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيقْسِمَانِ بِاللّٰهِ إِنْ اَرْتَبْتُمْ لَا نُشْتَرِىْ بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللّٰهِ إِنْآ إِذَا لَمِنَ الْاٰثِمِيْنَ» (مائده/۱۰۶) که در بعضی از اخبار «ذو عدل منکم» قرائت شده است (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۴/۸۷).

۴. اختلاف در حروف

اختلاف در حروف نیز از نمونه اختلاف قرائات مطرح شده در این تفسیر است. به عنوان نمونه می‌توان به قرائت «الْمُصِيطِرُونَ» در آیه «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ» (طور/ ۳۷)؛ «آیا ذخایر پروردگار تو پیش آنهاست؟ یا ایشان تسلط [تأم] دارند؟». اشاره نمود که طبق نوشته مرحوم طیب «سطر» اصلاً با سین است و لکن چون بعد او طاء مؤلف است جایز است تبدیل به صاد و در آیات شریفه اکثراً به سین قرائت شده مثل «وَمَا يُسْطُرُونَ» (قلم/ ۱) «أَسَاطِيرُ» در نه مورد از آیات مَسْطُورٍ و مَسْطُوراً در سه مورد «مُسْتَطَرٌّ» (قمر/ ۵۳) لکن در دو مورد بعض صحف به (ص) ضبط کرده‌اند و بعضی به (س) و بعضی به اختلاف یکی در این مورد دیگری در سوره غاشیة «لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ» آیه ۲۲ و اکثر به (ص) تدوین شده است (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۳۱۱).

هم‌چنین در قرائت «بشرا» اختلاف قرائات وجود دارد که برخی با نون به صورت «نشرا» قرائت کرده‌اند (طیب، اطیب البیان فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۹/ ۶۳۱) و نیز می‌توان به کلمه «هزوا» اشاره کرد که بعضی هزء به همزه قرائت کردند به سکون زاء و به ضم آن و بعضی به واو (طیب، اطیب البیان فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۰۷).

۵. اختلاف در وقف

مرحوم طیب در مورد وقف یا عدم وقف در قسمت‌های مختلف آیه به اختلاف قرائات اشاره نموده است. به عنوان نمونه می‌توان به اختلاف در وقف در کلمه «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ» در «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُغَّعاً سَجْدًا يَنْتَعُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَاناً سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يَعْجِبُ الزُّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً» (فتح/ ۲۹)؛ «محمد ﷺ پیامبر خداست؛ و کسانی که با اویند، بر کافران، سخت‌گیر [و] با هم‌دیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آن‌ها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است». اشاره داشت که طبق نوشته این مفسر به دو نحو قرائت شده است: بدون وقف که همین مثل تورات در انجیل هم هست، و وقف که مثل در انجیل جمله بعد است (طیب، اطیب البیان فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۲۲۱).

۶. اختلاف در تخفیف و تشدید

اختلاف در تخفیف و تشدید مورد دیگری است که مرحوم طیب در تفسیر خود به عنوان اختلاف قرائت مطرح کرده است (طیب، اطیب البیان فی علوم القرآن، ۱۳۷۴: ۵/ ۱۹۲؛ ۴/ ۴۵۷؛ ۳/ ۲۶۷). به عنوان شاهد می‌توان به آیه ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده/ ۸۹) در مورد قرائت «عَقَّدْتُمْ» اشاره نمود که به صورت «عَقَّدْتُمْ» با تخفیف نیز قرائت شده است.

نتیجه

مرحوم طیب در تمام موارد اختلاف قرائات مبنا را بر قرائت مطابق با سیاهی قرآن می‌داند که همان قرائت حفص از عاصم است. اختلاف اسماء؛ اختلاف در اعراب؛ اختلاف در زیاده و نقصان؛ اختلاف در حروف؛ اختلاف در وقف؛ اختلاف در تخفیف و تشدید از انواع اختلاف قرائات مطرح شده در این تفسیر است. مرحوم طیب رویکردهای مختلفی در قبال اختلاف قرائات اتخاذ کرده است:

- مصادر قرائات در این تفسیر مشخص نشده است؛
- در موارد متعددی به ذکر اختلاف قرائت در آیه بدون ذکر نام قاری بسنده کرده است؛
- در برخی موارد فقط به ذکر وجود اختلاف قرائات اشاره نموده و نوع اختلاف قرائات را مطرح نکرده است؛
- در مواردی نیز بعد از ذکر اختلاف قرائات آیه را با هر دو قرائت تفسیر نموده است؛
- مرحوم طیب در اثبات قرائت صحیح و رد قرائات دیگر از روش‌های مطابقت قرائت با ظاهر آیات قرآن و استفاده از قواعد نحوی در اثبات صحت قرائت و استفاده از تفسیر واژه‌ها در اثبات صحت قرائت بهره برده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن جزری، محمد بن محمود، النشر فی القراءات العشر، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳. ابن مجاهد، احمد بن موسی بن عباس، السبعه فی القراءات، تحقیق شوقی ضیف، قاهره: المعارف، ۱۴۰۰ق.
۴. احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآن، قم: نشر فاطیما، ۱۳۸۱ش.
۵. ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۳ش.
۶. بابایی، علی اکبر، قواعد تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ش.
۷. البیلى، احمد، اختلاف القراءات، بیروت: دارالجليل، بی تا.
۸. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۹. حسینی جلالی، محمد حسین، درسه حول القرآن الکریم، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۲ق.
۱۰. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی علوم القرآن، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۸۲ش.
۱۱. دانی، ابو عمرو عثمان، التیسیر فی قراءات السبع، تبریز: کتابفروشی جعفری تبریزی، ۱۳۶۲ش.
۱۲. دمیاطی، احمد بن محمد، إتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربع عشر، تحقیق علی محمد الضباع، بیروت: دار الندوة، ۱۱۱۷ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۴. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: نشر امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.
۱۵. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ش.
۱۶. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: مکتبه دار التراث، بی تا.
۱۷. شهیدی صالحی، عبدالحسین، تفسیر و تفاسیر شیعه، قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۱ش.

۱۸. طاهری، حبیب الله، درس‌هایی از علوم قرآنی، نشر اسوه، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. طیب، عبدالحسین، فصلنامه حوزه، مصاحبه، ش ۳۳، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. عظیم‌زاده، فائزه، رضی، بی بی سادات، پویازاده، اعظم، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۸۰ ش.
۲۳. عمر، احمد مختار، مکرم عبدالعال سالم، معجم القرائات القرآنیه، تهران: انتشارات اسوه، ۱۹۹۷ م.
۲۴. العوا، سلوا، ترجمه سید حسین سیدی، بررسی زبان‌شناختی وجوه و نظایر در قرآن، مشهد: به نشر، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بی‌جا: دارالمکتبه الهلال، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. فضلی، عبد الهادی، تاریخ قرائات قرآن کریم، انتشارات اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۶۷ ش.
۲۸. قسطلانی، احمد بن محمد، لطائف الاشارات لفنون القرائات، احیاء تراث الاسلام، ۱۳۹۲ ق.
۲۹. متولی، عبدالحمید محمود، اضواء علی مناهج بعض المفسرین من زوایا علوم القرآن، بیروت: اسلامیه، ۱۴۲۰ ق.
۳۰. معارف، مجید، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران: نبا، ۱۳۸۳ ش.
۳۱. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶ ش.